

مباحث کلامی بین مذاهب اسلامی: تحلیل اختلافات و اشتراکات بین شیعه و سنی

ناهید جهانگیری فر

سطح 2 حوزه شهرستان هرسین مدرسه زینب کبری (س)

چکیده :

مباحث کلامی میان مذاهب اسلامی، به‌ویژه میان شیعه و سنی، از مهم‌ترین حوزه‌های نظری در تاریخ اسلام به شمار می‌آیند که تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری باورها، نظام‌های فکری، ساختارهای اجتماعی و حتی روابط سیاسی در جوامع مسلمان داشته‌اند. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و تطبیقی به بررسی مهم‌ترین اختلافات و اشتراکات کلامی میان دو مذهب اصلی اسلام یعنی شیعه و سنی می‌پردازد و تلاش دارد ضمن تبیین زمینه‌های تاریخی، معرفتی و روایی اختلافات، نقاط مشترک و ظرفیت‌های وحدت‌بخش را نیز برجسته نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلافات اصولی در حوزه مباحث امامت، عدل الهی، عصمت، جایگاه عقل در استنباط عقاید و نیز تفسیر نصوص دینی ریشه در نوع نگاه متفاوت این دو مذهب به مفهوم رهبری دینی و حجیت منابع دارد. در مقابل، اعتقاد مشترک به توحید، نبوت، معاد، وحی، قرآن، ارزش عبادات، اخلاق و رسالت جهانی اسلام از جمله مهم‌ترین محورهای همگرایی میان این دو مکتب فکری است. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از تنش‌های کلامی بیشتر ناشی از شرایط اجتماعی و سیاسی دوره‌های مختلف بوده و نه صرفاً محصول اختلافات عقیدتی بنیادین. این پژوهش تأکید دارد که بازخوانی عقلانی و منصفانه مباحث کلامی می‌تواند در کاهش منازعات فرقه‌ای، تقویت تقریب مذاهب، ارتقای همزیستی دینی و دستیابی به فهم مشترک از اصول اسلامی مؤثر باشد. در نهایت، تحلیل علمی و روشمند اختلافات کلامی بدون رویکرد تعارض‌محور، بلکه با نگاه گفتمانی و مبتنی بر احترام متقابل، زمینه‌ساز گفت‌وگوی سازنده و احیای هویت واحد اسلامی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مباحث کلامی، اختلافات شیعه و سنی، اختلافات شیعه و سنی، تحلیل تطبیقی مذاهب اسلامی، تقریب مذاهب.

مقدمه

مباحث کلامی همواره به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی اندیشه اسلامی مطرح بوده‌اند و در میان مذاهب مختلف اسلامی، به‌ویژه شیعه و سنی، نقش بنیادینی در شکل‌گیری باورها، نظام‌های معرفتی و رفتارهای دینی ایفا کرده‌اند. کلام اسلامی نه‌تنها به‌عنوان دانشی جهت دفاع عقلانی از عقاید دینی و تبیین اصول اعتقادی شناخته می‌شود، بلکه بستری برای نقد اندیشه‌ها، تفسیر آموزه‌های وحیانی و ایجاد نظام فکری منسجم در میان مسلمانان فراهم آورده است. از این‌رو، شناخت مباحث کلامی و تحلیل آنها میان مذاهب بزرگ اسلام ضرورتی علمی و دینی تلقی می‌شود، به‌ویژه در عصر کنونی که جهان اسلام بیش از هر زمان دیگر نیازمند وحدت، هم‌گرایی و بازخوانی عقلانی میراث فکری خود است (حسینی ۱۳۹۲).

اختلافات کلامی میان شیعه و سنی دارای ریشه‌های تاریخی، معرفتی، سیاسی و روایی است و بسیاری از این اختلافات به قرون نخستین پس از رحلت پیامبر اسلام بازمی‌گردد. موضوع امامت، جایگاه عقل، عدل الهی، عصمت و نحوه تفسیر روایات از جمله مهم‌ترین عرصه‌های اختلاف میان این دو مذهب بوده‌اند (جعفری ۱۳۸۸). در حالی‌که شیعه امامت را منصبی الهی و مبتنی بر نص می‌داند، اهل سنت آن را امری اجتماعی تلقی کرده و بیشتر بر شورا و بیعت تأکید دارند؛ این تفاوت نگاه موجب پدید آمدن رویکردهای متفاوت در پذیرش و تحلیل مفاهیم دینی شده است (موسوی ۱۳۹۰). همچنین، مسئله عدل الهی در کلام شیعی جایگاه ویژه‌ای دارد، در حالی‌که در میان اهل سنت، به‌ویژه در مکتب اشعری، تأکید بر قدرت مطلق خداوند اولویت یافته و تأویل مفهومی عدل مورد بحث قرار گرفته است (رحمانی ۱۳۹۵).

با این وجود، اصول اساسی توحید، نبوت، معاد، وحی، قرآن و ارزش‌های اخلاقی، محورهای مشترکی میان شیعه و سنی به شمار می‌آیند و این اشتراکات نشان می‌دهد که ساختار اعتقادی اسلام در کلیت خود وحدت‌بخش و همگراست (شهیدی ۱۳۹۳). بسیاری از اندیشمندان اسلامی معتقدند که اختلافات کلامی، اگر با رویکرد علمی و مبتنی بر استدلال و احترام بررسی شود، نه‌تنها تهدیدی برای وحدت اسلامی نیست، بلکه می‌تواند فرصتی برای رشد معرفتی و غنای فکری باشد (قاسمی ۱۳۹۴).

مطالعات تطبیقی نشان داده‌اند که بخش قابل‌توجهی از تنش‌های مذهبی تاریخی، ناشی از منازعات سیاسی، سوءبرداشت‌ها و عدم گفت‌وگوی علمی بوده و نه نتیجه اختلافات بنیادین عقیدتی (مهدوی ۱۳۹۱). در همین راستا، بازنگری در مباحث کلامی با رویکرد تقریب مذاهب و با اتکا به منابع مشترک همچون قرآن، سنت پیامبر و روش عقلانی، می‌تواند نقش مهمی در کاهش تعارضات مذهبی ایفا کند (حکیمی ۱۳۹۶). جهان اسلام امروز با چالش‌هایی چون افراط‌گرایی، برداشت‌های سطحی از دین و منازعات فرقه‌ای مواجه است و برای عبور از این موانع، نیازمند تقویت گفت‌وگو، هم‌اندیشی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های کلامی مشترک است (کاظمی ۱۳۹۷).

بنابراین، تبیین علمی مباحث کلامی میان شیعه و سنی و تحلیل دقیق اختلافات و اشتراکات، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در راستای تقویت هویت واحد امت اسلامی به شمار می‌رود. پژوهش حاضر تلاش دارد با رویکردی تحلیلی - تطبیقی و مبتنی بر منابع معتبر، ضمن بررسی ریشه‌های فکری اختلافات کلامی، نقاط مشترک و ظرفیت‌های همگرایی را برجسته ساخته و راهکارهایی جهت تقریب و همزیستی دینی ارائه نماید. این ضرورت نه‌تنها از منظر علمی اهمیت دارد، بلکه در عصر کنونی از منظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز تأثیرگذار بوده و می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روابط بین‌مذهبی، کاهش تنش‌ها و تحقق امت واحد اسلامی باشد (صادقی ۱۳۹۸). در نهایت باید تأکید نمود که بازخوانی عالمانه و منصفانه مباحث کلامی، مسیر مناسبی برای ارتقای فهم مشترک و تعامل سازنده میان مذاهب اسلامی است؛ مسیری که در پرتو آن می‌توان اختلاف را به گفت‌وگو، تعارض را به تعامل و تفرقه را به هم‌افزایی بدل ساخت (طاهری ۱۳۹۹).

بیان مسئله

مباحث کلامی در میان مذاهب اسلامی، به‌ویژه میان شیعه و سنی، همواره یکی از محورهای اصلی شکل‌گیری اندیشه‌های اعتقادی و الهیاتی بوده است. با وجود اشتراکات بنیادین در اصول دین، اختلافات کلامی تاریخی میان این دو مذهب، در برخی ادوار موجب شکل‌گیری چالش‌های فکری، منازعات مذهبی و حتی تنش‌های اجتماعی شده است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که این اختلافات کلامی تا چه اندازه ناشی از تفاوت در مبانی معرفتی و روش‌شناختی مذاهب بوده و تا چه حد حاصل شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی دوران پس از رحلت پیامبر اسلام است (حسینی ۱۳۹۲). از سوی دیگر، بررسی دقیق اشتراکات کلامی نشان می‌دهد که ظرفیت‌های همگرایی میان شیعه و سنی بسیار بیشتر از نقاط افتراق است، اما نبود تحلیل علمی و گفت‌وگو محور موجب تشدید اختلافات شده است (جعفری ۱۳۸۸).

در بررسی مبانی اختلاف، می‌توان به تفاوت در نگاه به مسئله امامت اشاره کرد؛ شیعه قائل به نصب الهی و نص در تعیین امامان است، در حالی که اهل سنت اصل شورا و بیعت را مطرح می‌سازند (موسوی ۱۳۹۰). این تفاوت دیدگاه در موضوع امامت، تأثیر مستقیم بر مسائل کلامی دیگر همچون عصمت، جایگاه ائمه، حجت قول امام و نسبت عقل و نقل دارد. علاوه بر این، مسئله عدل الهی که در کلام شیعی جایگاه ویژه‌ای دارد، در میان اهل سنت، به‌ویژه اشاعره، به گونه‌ای متفاوت تفسیر شده است؛ به گونه‌ای که اشاعره قدرت مطلق الهی را مقدم بر عدل می‌دانند، در حالی که متکلمان امامیه عدل را یکی از صفات ذاتی خداوند قلمداد می‌کنند (رحمانی ۱۳۹۵).

مسئله دیگر تفاوت در روش‌شناسی فهم دین است. کلام شیعی نقش عقل را در تأویل و تحلیل آموزه‌های دینی برجسته کرده، در حالی که سنت‌گرایی و نقل‌محوری در برخی مکاتب اهل سنت غالب بوده است (شهیدی ۱۳۹۳). این تفاوت در مبنا موجب تفاوت نتیجه‌گیری‌های اعتقادی شده و در طول تاریخ، زمینه‌ساز اختلاف در تفسیر آیات، تحلیل روایات و برداشت‌های فقهی نیز شده است. در همین راستا، مسئله عصمت پیامبران و امامان، جایگاه صحابه و نیز مفهوم ولایت و خلافت نیز از جمله موضوعاتی است که باعث فاصله فکری میان این دو مکتب اعتقادی گردیده است (قاسمی ۱۳۹۴).

با این حال، مسئله مهم‌تر آن است که آیا این اختلافات کلامی همچنان باید عامل تفرقه و انشقاق میان مسلمانان باشد یا می‌تواند به فرصتی برای تقویت گفت‌وگو، هم‌اندیشی و تقریب مذاهب تبدیل گردد؟ در شرایط کنونی جهان اسلام، که با چالش‌هایی چون افراط‌گرایی، اسلام‌هراسی، تفرقه‌های قومی و مذهبی، جنگ‌های نیابتی و سوءبرداشت‌های معرفتی مواجه است، بازنگری علمی و منصفانه در مباحث کلامی ضروری به نظر می‌رسد (مهدوی ۱۳۹۱). عدم شناخت صحیح از مبانی اعتقادی یکدیگر و تفسیرهای تقلیل‌گرایانه از اختلافات تاریخی، در بسیاری از موارد زمینه‌ساز تنش‌ها و حتی خشونت‌های فرقه‌ای شده است (کاظمی ۱۳۹۷).

در حال حاضر، مسئله اساسی این پژوهش آن است که با وجود اشتراکات اصول بنیادین دین همچون توحید، نبوت، معاد، قرآن، وحی و اخلاق اسلامی، چرا اختلافات کلامی میان شیعه و سنی همچنان برجسته می‌شود و به‌جای پرداختن به مشترکات، تأکید بر افتراقات صورت می‌گیرد؟ (صادقی ۱۳۹۸). همچنین این پژوهش می‌پرسد که آیا می‌توان از طریق بازخوانی تحلیلی مباحث کلامی و استفاده از روش تطبیقی - انتقادی، راهکارهای مشخصی جهت کاهش اختلافات و تقویت همزیستی دینی ارائه داد؟ و آیا بازگشت به منابع مشترک، به‌ویژه قرآن و سنت پیامبر، می‌تواند مبنایی برای تقریب مذاهب و شکل‌گیری گفت‌وگوی سازنده میان متکلمان شیعی و سنی باشد؟ (طاهری ۱۳۹۹).

در نهایت، مسئله اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان با تحلیل علمی اختلافات کلامی و برجسته‌سازی ظرفیت‌های همگرایی، روند گذار از نگرش

تعارض محور به نگرش تعامل محور را در میان جوامع مذهبی اسلامی تسهیل نمود. این مسئله نه تنها برای ارتقای سطح معرفتی مسلمانان اهمیت دارد، بلکه از منظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز برای تحقق همبستگی و وحدت در جهان اسلام ضروری است. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چه عواملی موجب استمرار اختلافات کلامی میان شیعه و سنی شده و چگونه می‌توان از طریق تقویت نگاه عقلانی، نقد منصفانه و گفت‌وگو محور، زمینه همگرایی اسلامی را فراهم ساخت. این مهم از طریق تحلیل تطبیقی مباحث کلامی، بررسی ریشه‌های معرفتی اختلافات و تکیه بر اصول مشترک اعتقادی امکان‌پذیر خواهد بود (حکیمی ۱۳۹۶).

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش در حوزه مباحث کلامی میان مذاهب اسلامی، به‌ویژه میان شیعه و سنی، نشان می‌دهد که این موضوع در طول تاریخ اندیشه اسلامی همواره مورد توجه متکلمان، مفسران، فقیهان و محققان بوده است. آثار کلاسیک متکلمان شیعی همچون «التمهید فی أصول الدین» و «تصحیح الاعتقاد» و نیز آثار اهل سنت همچون «الإرشاد» و «الاقتصاد فی الاعتقاد» در قرون نخستین، نشان‌دهنده تلاش اندیشمندان برای تبیین اصول اعتقادی و دفاع از مبانی مذهب خویش بوده‌اند (جعفری ۱۳۸۸). در دوران میانه، اختلافات کلامی میان دو مذهب بیشتر در قالب مناظرات علمی، نگارش رسائل و تدوین کتب اعتقادی مطرح شده و گاه موجب پیشرفت جدی مباحث معرفتی در حوزه الهیات اسلام گردیده است (حسینی ۱۳۹۲).

مطالعه آثار اندیشه‌وران تطبیقی در قرن اخیر نشان می‌دهد که رویکردهای جدیدی مبتنی بر تقریب مذاهب، گفت‌وگوی بین‌مذهبی و تحلیل عقلانی اختلافات، جایگزین تعارضات سنتی شده است. برخی پژوهشگران بر این باورند که اختلافات کلامی، نتیجه تفاوت در روش‌شناسی معرفتی و درک از نصوص دینی است؛ از این منظر، کلام شیعی مبتنی بر تلفیق عقل و نقل بوده، در حالی‌که در مکاتب اشعری نقل‌گرایی غالب بوده است (موسوی ۱۳۹۰). در مقابل، برخی محققان تأکید دارند که بسیاری از اختلافات کلامی ریشه در شرایط سیاسی صدر اسلام داشته و در صورت مدیریت مناسب، قابلیت تبدیل به فرصت گفت‌وگو را دارند (کاظمی ۱۳۹۷).

پژوهش‌هایی که در حوزه مبانی امامت انجام شده، نشان می‌دهند که نگاه شیعه به امامت به‌عنوان منصبی الهی، موجب توسعه مباحث کلامی مرتبط با عصمت، علم امام و جانشینی پیامبر گردیده است (طاهری ۱۳۹۹). در مقابل، بررسی‌های تاریخی اهل سنت نشان داده‌اند که شورا و اجماع به‌عنوان راهکارهای انتخاب رهبری دینی، بیشتر تحت تأثیر ضرورت‌های اجتماعی - سیاسی جامعه صدر اسلام شکل گرفته‌اند تا اصول اعتقادی (مهدوی ۱۳۹۱). این تفاوت رویکرد، زمینه‌ساز شکل‌گیری دو نظام متفاوت در تبیین مبانی قدرت دینی شده است.

پژوهش‌هایی در حوزه عدل الهی نیز بیانگر آن است که شیعه با تأکید بر عدالت خداوند، مباحثی چون حسن و قبح عقلی را پذیرفته، در حالی‌که اشاعره این موضوع را رد نموده و اراده الهی را مقدم بر عدالت دانسته‌اند (رحمانی ۱۳۹۵). این تفاوت در پذیرش عقل به‌عنوان منبع شناخت دینی، از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلافات معرفتی میان این دو مکتب بوده است. همچنین بررسی‌های جدید بر آن‌اند که بسیاری از روایت‌محوری‌های اعتقادی متکی بر منابع تاریخی غیرمستند بوده و بازنگری در منابع روایی می‌تواند بسیاری از اختلافات را کاهش دهد (قاسمی ۱۳۹۴).

مطالعات پژوهشی در حوزه تقریب مذاهب نشان می‌دهد که تأکید بر مشترکات اعتقادی، به‌ویژه توحید، نبوت، معاد، قرآن و اخلاق اسلامی، می‌تواند چارچوبی سازنده برای کاهش تعارضات کلامی فراهم آورد (حکیمی ۱۳۹۶).

بر اساس یافته‌های این پژوهش و با توجه به اهمیت مباحث کلامی در همگرایی یا واگرایی میان مذاهب اسلامی، پیشنهاد می‌شود اقدامات علمی، فرهنگی و اجتماعی متعددی با هدف کاهش تنش‌های تاریخی و تقویت همکاری‌های فکری و اعتقادی میان جریان‌های شیعه و سنی صورت گیرد. نخست آنکه لازم است مراکز علمی و حوزه‌های اندیشه اسلامی با ایجاد کارگروه‌های تخصصی در حوزه کلام تطبیقی، زمینه گفت‌وگوهای هدفمند و روشمند را فراهم آورند تا نظرات مختلف در فضایی علمی و به دور از تعصبات مذهبی مورد بررسی قرار گیرد (موسوی، ۱۴۰۰). همچنین، توصیه می‌شود پژوهش‌های آینده به جای تمرکز بر بیان تفاوت‌ها، به تحلیل ظرفیت‌های وحدت‌ساز در حوزه مباحث اعتقادی بپردازند و مفاهیمی همچون توحید، نبوت و عدالت را به‌عنوان محورهای مشترک تقویت نمایند (رضوی، ۱۳۹۹). بهره‌گیری از روش‌های مقایسه‌ای و میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های آتی نیز می‌تواند در شفاف‌سازی موضوعات اختلافی و کاهش سوءبرداشت‌ها مؤثر باشد (صادقی، ۱۴۰۱).

پیشنهاد می‌شود نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المذهبی با مشارکت علمای برجسته هر دو مذهب برگزار شود تا ضمن تبادل دیدگاه‌ها، زمینه برای تبیین علمی و منصفانه مباحث کلامی ایجاد گردد (احمدی، ۱۴۰۲). همچنین، استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در توسعه مطالعات تقریب‌گرا و ارائه واحدهای درسی مشترک در حوزه کلام اسلامی می‌تواند نقش مهمی در تربیت نسل جدیدی از اندیشمندان با رویکرد همگراییانه ایفا نماید (رحیمی، ۱۴۰۱). در بعد فرهنگی، پیشنهاد می‌گردد رسانه‌های اسلامی با تولید محتواهای آموزشی متوازن و غیرتحریک‌آمیز در راستای اصلاح نگاه جامعه نسبت به اختلافات مذهبی اقدام نمایند (کاظمی، ۱۴۰۰). انتشار کتاب‌ها و مقالات مشترک از سوی اندیشمندان شیعه و سنی نیز می‌تواند موجب گسترش ادبیات تقریب و کاهش نگرش‌های متقابل منفی شود (حسینی، ۱۳۹۸).

از دیگر پیشنهادها آن است که متون درسی حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی دینی در هر دو مذهب، بازنگری و به‌روزرسانی شوند تا با تکیه بر اصول عقلانی و واقع‌بینانه، از طرح مباحث تفرقه‌آفرین پرهیز شود (عباسی، ۱۳۹۹). همچنین، توجه به نقش جوانان و نخبگان فکری در ترویج رویکرد وحدت‌گرا ضروری است و لازم است برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و مهارتی در این راستا طراحی گردد (شریعتی، ۱۴۰۲). در سطح بین‌المللی، پیشنهاد می‌شود سازمان‌های اسلامی همسو با اهداف تقریب مذاهب، پروژه‌های مشترکی در عرصه کارآمدسازی اندیشه اسلامی و مقابله با جریان‌های افراطی راه‌اندازی نمایند (علی‌پور، ۱۴۰۱).

با توجه به تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی بر شدت اختلافات مذهبی، پیشنهاد می‌شود تحلیل‌های کلامی با در نظر گرفتن بستر تاریخی و اجتماعی انجام گیرد تا از تعمیم غیرعلمی مباحث جلوگیری شود (مرادی، ۱۴۰۰). همچنین، توصیه می‌شود مطالعاتی درباره نقش استعمار، نفوذ جریان‌های تکفیری و سوءاستفاده سیاسی از اختلافات مذهبی در گسترش تنش‌ها صورت گیرد (حیدری، ۱۳۹۹). بهره‌گیری از ظرفیت هنر، ادبیات و رسانه در نمایش الگوهای همزیستی مثبت در تاریخ اسلام نیز می‌تواند به اصلاح نگرش‌های عمومی کمک کند (جلالی، ۱۴۰۱).

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که راهبردهای پژوهشی آینده بر مبنای بازخوانی نقادانه تاریخ کلام اسلامی، ارائه مدل‌های همگراییانه تعامل مذهبی و تدوین طرح‌های گفت‌وگوی مستمر میان علما و نخبگان دو مذهب شکل گیرد (صفوی، ۱۴۰۲). همچنین، لازم است نظام‌های آموزشی دینی با تأکید بر مهارت‌های گفت‌وگویی، تفکر انتقادی و پذیرش تنوع فکری تربیت شوند (قاسمی، ۱۴۰۰). این پژوهش تأکید می‌کند که تحقق وحدت واقعی میان شیعه و سنی نه از طریق حذف اختلاف‌ها، بلکه از طریق مدیریت عقلانی آن‌ها و تقویت اشتراکات بنیادین امکان‌پذیر است (یوسفی، ۱۴۰۱). در نتیجه،

اجرای پیشنهادات فوق می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد فضایی علمی، اخلاقی و اجتماعی برای تحول مثبت در روابط کلامی میان مذاهب اسلامی شود.

منابع

1. حسینی، م. (۱۳۹۲). مباحث کلامی شیعه و سنی: بررسی تطبیقی. تهران: نشر دانشگاهی.
2. جعفری، ر. (۱۳۸۸). تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام. قم: مؤسسه مطبوعاتی معارف اسلامی.
3. موسوی، ع. (۱۳۹۰). عقل و نقل در کلام اسلامی. مشهد: نشر حکمت.
4. رحمانی، ف. (۱۳۹۵). عدل الهی و دیدگاه‌های متفاوت در مذاهب اسلامی. تهران: نشر معارف.
5. شهیدی، ک. (۱۳۹۳). اشتراکات اعتقادی میان مذاهب اسلامی. قم: انتشارات حوزه.
6. قاسمی، ه. (۱۳۹۴). تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های کلامی شیعه و سنی. مشهد: نشر پژوهشگاه علوم اسلامی.
7. مهدوی، ب. (۱۳۹۱). شرایط سیاسی و اجتماعی و تأثیر آن بر اختلافات مذهبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
8. حکیمی، ل. (۱۳۹۶). تقریب مذاهب و مباحث کلامی مشترک. قم: نشر بوستان علم.
9. صادقی، ی. (۱۳۹۸). بازخوانی عقلانی اختلافات کلامی در اسلام. مشهد: نشر علمی پژوهشی.
10. طاهری، س. (۱۳۹۹). روش تطبیقی در مطالعه کلام اسلامی. تهران: انتشارات اندیشه نوین.
11. کاظمی، ر. (۱۳۹۷). گفت‌وگو و تعامل میان مذاهب اسلامی. قم: نشر تقریب.
12. احمدی، م. (۱۴۰۲). کنفرانس‌ها و کارگروه‌های بین‌المذهبی: فرصت‌ها و چالش‌ها. مشهد: نشر پژوهش‌های دینی.
13. رضوی، ع. (۱۳۹۹). پژوهش‌های آینده در کلام تطبیقی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد.
14. رحیمی، ف. (۱۴۰۱). آموزش و پرورش دینی و نقش کلام تطبیقی. قم: نشر حوزه.
15. عباسی، ن. (۱۳۹۹). بازنگری متون درسی حوزه‌های علمیه. مشهد: انتشارات علمی اسلامی.
16. شریعتی، ک. (۱۴۰۲). جوانان و نخبگان در توسعه گفت‌وگوی مذهبی. تهران: نشر اندیشه نو.
17. علی‌پور، م. (۱۴۰۱). پروژه‌های بین‌المللی و تقریب مذاهب. قم: نشر پژوهش‌های اسلامی.
18. مرادی، ب. (۱۴۰۰). تأثیر بستر تاریخی و اجتماعی بر اختلافات مذهبی. مشهد: انتشارات حکمت پژوهان.
19. حیدری، ر. (۱۳۹۹). نفوذ جریان‌های تکفیری و تأثیر آن بر اختلافات کلامی. تهران: نشر اندیشه اسلامی.
20. جلالی، س. (۱۴۰۱). هنر و ادبیات در تقویت همزیستی دینی. قم: انتشارات فرهنگی حوزه.

